

جایگاه تدبیر منزل در میراث اخلاق فلسفی با رویکرد انتقادی

محمد جواد فلاح^۱

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی جایگاه تدبیر منزل در میراث اخلاق فلسفی انجام شد. بدین منظور کلیه آثار مکتوب در این موضوع به روش توصیفی-اسنادی بررسی شد و به این مسئله که در میراث اخلاق فلسفی متأثر از متون فلسفه اسلامی، به مسائل اخلاقی حوزه خانواده چقدر توجه شده و این حوزه اخلاق فلسفی با چه کاستی‌هایی مواجه است، پاسخ داده شد. از این رو، با پیگیری سیر تاریخی اخلاق خانواده در متون کهن اخلاقی و میراث اخلاق اسلامی تا دوره معاصر، به بررسی ماهیت، گستره موضوعات و روش‌های عملی‌سازی، تصویری از اخلاق خانواده در نگاه فلسفی پرداخته شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که مسئله اخلاق خانواده فقط ذیل بحث تدبیر منزل که ماهیت فلسفی دارد، بیان شده است و برخی از عالمان اخلاقی با اقتباس از آثار فلسفی ارسطو و دیگر آثار همسو، دیدگاه‌های اخلاقی حوزه خانواده را به شکل ممزوج با مباحث اخلاق فلسفی در برخی متون اخلاقی همچون فصول منتزعه، تهذیب الاخلاق و اخلاق جلالی منعکس کرده‌اند. همچنین نتایج بررسی‌ها نشان داد که از اواخر سده دهم هجری تاکنون حتی چنین رویکرد اقتباسی نسبت به حوزه خانواده در منابع اخلاقی و فلسفی وجود ندارد و رویکرد فلسفی که تا پایان سده دهم ارائه شده است نیز نوآوری ویژه‌ای ندارد.

واژگان کلیدی: میراث اخلاقی، اخلاق فلسفی، تدبیر منزل، اخلاق خانواده، حکمت عملی، اخلاق ناصری.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸
۱. دانشیار گروه اخلاق، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

The Place of Household Economy in the Heritage of Philosophical Ethics with a Critical Approach

Mohammad Javad Fallah¹

The present research aimed to investigate the place of household economy in the heritage of philosophical ethics; thus, all related written sources were reviewed with a descriptive-documentary method. The questions of how much attention was paid to the moral issues of family in the heritage of philosophical ethics influenced by the texts of Islamic philosophy, and of what shortcomings this field of philosophical ethics faces were answered. Therefore, the nature, scope of subjects, and methods of implementation of the family ethics were analyzed, and a picture of that in a philosophical perspective was presented by following the historical trend of family ethics in ancient moral texts and the heritage of Islamic ethics until the contemporary period. The results showed that the issue of family ethics has been expressed only under the issue of household economy, which has a philosophical nature, and some scholars of ethics, by adapting Aristotle's philosophical works and other related works, have mixed family views with philosophical ethics and have reflected them in some moral texts such as abstract chapters, refinement of ethics, and glorious ethics. In addition, according to the results, there is not even such an adapted approach to the family in moral and philosophical texts, from the end of the tenth century AH until now, and the philosophical approach that has presented until the end of the tenth is not particularly innovative.

Keywords: moral heritage, philosophical ethics, household economy, family ethics, practical wisdom, Naseri wisdom.

Paper Type: Research

Data Received: 2021/ 09 / 10 Data Revised: 2022 / 02 / 09 Data Accepted: 2022 / 02 / 27

1. Associate Professor, Department of Ethics, Islamic Maaref University, Qom, Iran.

Email: mjfallah. ac@gmail. com

۱. مقدمه

اخلاق، جمع خُلق و به معنای صفات نفسانی راسخ و پایداری است که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و تروی از انسان صادر شود. (مسکویه، ۱۴۲۶) امروزه اخلاق کاربردی عرصه‌های مختلفی را دربردارد و در موضوعات مختلف از آن گفت‌وگو می‌شود (اسلامی، علیزاده و دبیری، ۱۳۸۹). در اینکه موضوع، هدف و روش اخلاق کاربردی چیست نیز دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است. این بخش از مطالعات اخلاقی به معنای عام و وسیع این‌گونه تعریف می‌شود: «هرگونه کاربست انتقادی روش‌های فلسفی برای سنجش تصمیمات عملی اخلاقی و مواجهه با مسائل، رفتارها و سیاست‌های اخلاقی در حرفه‌ها، تکنولوژی حکومت و غیره» (اسلامی، و همکاران، ۱۳۸۹). فارغ از اختلافات در تعریف اخلاق کاربردی، موضوع خانواده نیز از جهاتی می‌تواند منظور نظر اخلاق کاربردی باشد. حوزه اخلاق خانواده که بیشتر در روابط بین اعضای خانواده تبلور یافته همواره مورد دغدغه دانشمندان به‌ویژه دیدگاه‌های دینی و اسلامی قرار گرفته و درباره آن تبادل نظر شده است. خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی شامل پدر، مادر، و فرزندان است (عمید، ۱۳۸۹) که همواره با مسائل و چالش‌های اخلاقی عدیده‌ای مواجه است. عرصه خانواده مجال گفت‌وگوی دانشمندان اخلاق کاربردی شده و از مسائل اخلاقی پیرامون آن گفت‌وگو می‌شود. اخلاق خانواده امروزه مسائل اخلاقی در عرصه خانواده را بررسی می‌کند و با بیان اصول و قواعد کارآمد اخلاقی در عرصه خانواده معماها، چالش‌ها و دوره‌های اخلاقی را نیز بررسی می‌نماید. دانشمندان، بسیاری از مسائل اخلاقی خانواده را از زوایای گوناگون بررسی کرده‌اند و برخی صاحب‌نظران به مسائل اخلاقی خانواده نگاه ویژه‌ای دارند. برخی پژوهش‌ها به شکل عمومی مسئله اخلاق خانواده را بررسی کرده‌اند. *دایره‌المعارف راتلج* در راستای پاسخ‌گویی به چالش‌های اخلاق خانواده در شش بخش، شامل مفاهیم فیزیکی خانواده، مفاهیم زیستی خانواده، مفاهیم اقتصادی خانواده، مفاهیم سیاسی خانواده، مفاهیم روان‌شناسی خانواده و مفاهیم هنجاری خانواده، اخلاق خانواده را بررسی کرده و به دنبال راه‌حل واحدی برای پاسخ‌گویی به مسائل اخلاق خانواده است. ویلیام گاردنر نیز در کتاب *جنگ علیه خانواده* با بیان مشکلات و معضلات اخلاقی که خانواده‌ها را به چالش



کشیده سعی در ارائه راهکاری برای پیشگیری از این معضلات دارد (گاردنر، ۱۳۸۷).

تلاش‌های اسلام‌پژوهان نیز در عرصه‌های جدید خانواده حاکی از اهمیت این حوزه است. برای نمونه محمدی ری‌شهری (۱۳۸۹) در کتاب *تحکیم خانواده* با استناد به آیات و روایت در سه بخش تشکیل خانواده، عوامل تحکیم خانواده و آسیب‌های آن را بررسی نموده است. آنچه در میراث اخلاق اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد ابتدای مباحث اخلاق خانواده بر دیدگاه‌های فلسفی است؛ این مسئله در تقسیمات اولیه حکمت عملی خود را نشان می‌دهد. در تقسیم‌های رایج که اخلاق عملی به اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن تقسیم شده است، مباحث مربوط به حوزه اخلاق خانواده در عرض مباحث اخلاقی مطرح است. این تأثیرگذاری حتی به متون اخلاقی نیز کشیده شده تا جایی که برخی منابع اخلاقی مثل *فصول منتزعه فارابی* (۱۳۲۶) یا کتاب *تهذیب الاخلاق* ابن مسکویه (۱۴۲۶) و برخی دیگر متون اخلاقی، مباحث حوزه اخلاق خانواده را با عنوان تدبیر منزل پی‌گرفته و منعکس‌کننده دیدگاه فیلسوفانی چون فارابی و ابن‌سینا در این باب بوده‌اند. بخشی از تأثیرپذیری آنها نیز از *رساله بروسن* است. رساله تدبیر منزل بروسن منبعی مهم برای مسلمانان است که نام او در متون اسلامی به‌صورت‌های دیگری مانند *ابروسن* و *برسیس* نیز بیان شده است. وی متفکری نوفیثاغوری و احتمالاً متعلق به قرن دوم میلادی است. به گزارش ابن ندیم از او جز این اثر، اثر دیگری در اخلاق نیز به عربی ترجمه شده است (دانشنامه جهان اسلام، ۱۴۰۰ ه.ش).

نکته مهم دیگر، سیر تطور مباحث اخلاق خانواده در دوره اسلامی است. توجه به این مسئله گاه به شکل مستقل و یا گاه ذیل مباحث مربوط به مباحث فلسفی تا قرن دهم ادامه دارد. در قرن دهم رکود مباحث مربوط به خانواده چه در مباحث فلسفی و چه در متون اخلاقی دیده می‌شود. مهمترین مباحث حوزه خانواده در سده دهم هجری - قمری از *اخلاق علایی* علی بن امرالله حنایی به زبان ترکی است که آن هم با بهره‌گیری از *اخلاق ناصری* خواجه نصیرالدین طوسی (۱۴۱۳) و *لوامع الاشراف دوانی* (۱۳۹۳) تألیف شده است. غیاث‌الدین منصور دشتکی هم، افزون بر نگارش رساله مستقلی در تدبیر منزل در *رساله الحکمه العملیه* خود با حذف حقوق والدین، خلاصه‌ای از آرای خواجه نصیر در اخلاق ناصری را به زبان عربی فراهم کرده که میراث قرن هفتم هجری است.

از اواخر سده دهم هجری - قمری با رکود بحث تدبیر منزل در ایران، آموزه‌های حکمای ایرانی از راه ترجمه‌های ترکی و اردوی *الرساله الشاهیه* عضدالدین ایجی و *لوامع الاشراف* دوانی در امپراتوری عثمانی و شبه قاره هند گسترش می‌یابد. تألیف *اخلاق علایی* حنایی و *اخلاق عالم آرای* محسن فانی کشمیری از دستاوردهای آن است، اما حکمای متأخر ایرانی مانند ملامهدی نراقی (۱۰۳۷/۳۵) به مباحث تدبیر منزل و حتی سیاست مدن توجهی نشان نداده‌اند. از زمان مرحوم نراقی تا کنون نیز چنین رویکردی نمایان است و دانشمندان اخلاقی به شکل برجسته و تأثیرگذار به مسئله خانواده نپرداخته‌اند. نکته مورد توجه، پرداخت جدیدی از مسائل اخلاقی حوزه خانواده است که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای اخلاقی عصر مدرن باشد. آنچه در میراث اخلاقی، چه در منابع اسلامی و چه منابع فارسی یافت می‌شود، پرداختن به مسائل اخلاق خانواده نه با رویکرد کاربردی که بحثی نظری است با رویکردی فضیلت‌گرایانه و ذیل بحث تدبیر منزل در کتب اخلاقی - متأثر از منابع فلسفی - بیان شده است. ورود معضلات و مسائل جدید در حوزه خانواده، ضرورت مطالعات تاریخی و بررسی تطور موضوعات اخلاقی را نشان می‌دهد به ویژه آنکه بتوان از چنین مطالعاتی راه‌حل‌های مفید و کارآمدی در حوزه مسائل و معضلات جدید اخلاقی در این حوزه یافت. پژوهش حاضر درصدد بازخوانی میراث اخلاقی با توجه به تدبیر منزل و بررسی جایگاه آن در حوزه اخلاق خانواده است. شاید بتوان پیشینه اخلاق خانواده و موضوع تدبیر منزل را در متون قدیمی و به ویژه در میراث اخلاق فلسفی جست‌وجو کرد. حکما و فلاسفه پس از تقسیم علوم به نظری و عملی، حکمت عملی را به سه بخش اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن تقسیم کرده‌اند. تدبیر منزل، دومین شاخه حکمت عملی در فلسفه مشائی است که موضوع آن، چگونگی اداره امور خانه و شیوه مشارکت مرد با زن، فرزند و خدمتکار بوده و در میراث اخلاقی با تعابیر دیگری چون حکمت منزلی، سیاست منزل، اقتصاد المنزلی و سیاست الخاصه به کار رفته است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷/۱۴، ۵۸۳۰) تدبیر منزل نوعی تفکر و تعقل در امور اهل خانه است، پس در متون کهن جزء فلسفه بوده و به طور مستقل زیرمجموعه حکمت عملی در کنار اخلاق قرار می‌گرفت. فارابی در تعریف تدبیر منزل می‌گوید: «تعقل و خردمندی، گونه‌های بسیاری دارد. برخی از آنها همان چیزی است که گرداندن و تدبیر و سامان دادن

خانه به وسیله آن پدید می‌آید و همان خردمندی و تدبیر منزل است» (فارابی و ملک‌شاهی، ۱۳۸۲). کشفی می‌گوید: «مراد از معنای تدبیر منزل و سیاست مدن، اظهار فرمودن آثار عقل و به‌کار بردن انواع آن است در منزل و در مدن». (دارابی کشفی، ۱۳۸۱) ابن مسکویه در کتاب *الفوز الاصر* می‌گوید: «کسی که سیاست خود را کامل نموده و به تهذیب اخلاق و سرکوب هوای نفس خود پردازد تدبیر منزل را اصلاح کرده و هرکس تدبیر منزل را اصلاح کند تدبیر شهر را اصلاح کرده و هرکس تدبیر شهر را اصلاح کند، تدبیر مملکت را اصلاح کرده است» (مسکویه، ۱۲۸۱).

در سخن ابن مسکویه، رابطه معنا‌داری بین ساحت‌های اخلاق فردی و اجتماعی برقرار شده است که عنصر خانواده را به صورت پیونددهنده فضائل اخلاقی در جامعه مطرح می‌کند. با این مهم، بررسی جایگاه این بخش از حکمت عملی می‌تواند مسیر را برای ارائه الگوی معاصر در حوزه اخلاق خانواده هموار سازد به‌ویژه آنکه چنین الگوهایی با توجه به مشکلات و معضلات اخلاقی در جامعه اهمیت فراوانی دارد. چنان‌که در متون اخلاق فلسفی بیان کرده‌اند حکیم بودن و فیلسوف بودن به داشتن تدبیر در امور منزل و مملکت گره خورده است. این نگاه هرچند به مسئله تدبیر منزل نگاهی کاربردی داشته و تلاش در کاربردی کردن فلسفه دارد، اما برون داد چنین مباحثی باعث شکل‌گیری نهاد اخلاقی خانواده نشد و همچنان در متون باقی ماند. پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که براساس مطالعه تاریخی و تطور میراث اخلاق فلسفی، مسئله اخلاق خانواده مبتنی بر مبحث تدبیر منزل با چه افت‌وخیزهایی مواجه شده و تا چه حد به مسائل اخلاقی حوزه خانواده پرداخته است و اینکه این نوع پردازش مباحث چقدر واجد نوآوری بوده و تا چه حد می‌تواند پاسخ‌گوی مسائل اخلاقی خانواده معاصر باشد.

امروزه اخلاق خانواده یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی بوده و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر هدف‌گایی انسان و نیز اهداف و کارکردهای اختصاصی خانواده را بررسی می‌کند و به مهارت‌های ارتباطی لازم بین اعضای خانواده می‌پردازد. ازسویی، تعارض‌هایی که در نهاد خانواده و بین اعضای خانواده صورت می‌گیرد با اخلاق کاربردی قابل حل و فصل است. روش‌های رایج اخلاق کاربردی می‌تواند برای حل مسائل اخلاقی خانواده در خدمت نهاد

خانواده قرار گیرد. جدای از اینکه چرا در متون کهن به اخلاق خانواده به عنوان بخشی از اخلاق به شکل مستوفی پرداخته نشده و تدبیر منزل را در کنار اخلاق قسیم حکمت عملی قرار داده‌اند، می‌توان از رویکردی سخن گفت که بتواند مسائل تدبیر منزل را به اخلاق کاربردی که در مباحث فلسفی نگاه ویژه‌ای دارد، پیوند زد.

رویکرد استدلال‌گرایی در اخلاق خانواده مهمترین شاخصه اخلاق کاربردی بوده و از این نظر اهمیت دارد. این موضوع به ویژه در نظر مدافعان اخلاق کاربردی نوعی فعالیت فلسفی بوده و جایگاه ویژه‌ای دارد. مهمترین نقش استدلال‌های عقلانی در اخلاق کاربردی این است که به مجموعه نظام اخلاقی این محدودیت را تحمیل می‌کند که باید نظامی هماهنگ باشند. (اسلامی، و همکاران، ۱۳۸۹) از سوی دیگر، تدبیر منزل شاخه‌ای از حکمت عملی است که تعقل را شرط تحقق خانواده اخلاقی و سالم می‌داند. پژوهش حاضر با تأکید بر بررسی پیشینه تدبیر منزل و با توجه به رویکردهای جدید در اخلاق خانواده، میراث اخلاق اسلامی را بررسی و بازخوانی می‌کند. این بررسی با تأکید بر سه حوزه تعریف، روش و قلمروی تدبیر منزل در میراث اخلاقی، زمینه شکل‌گیری دانش اخلاق خانواده براساس مهمترین مسائل خانواده معاصر خواهد شد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. تدبیر منزل در میراث اخلاق فلسفی

تدبیر منزل، دومین شاخه حکمت عملی در فلسفه مشائی بوده و موضوع آن چگونگی اداره امور خانه و شیوه مشارکت مرد بازن، فرزند و خدمتکار است. ترکیب تدبیر منزل، ترجمه اصطلاح اویکونومیای یونانی است که از دو جزء اویکوس به معنای خانه و نوموس به معنای قانون تشکیل شده است. (اسکات، ۱۲۰۴) اصطلاح تدبیر منزل در متون کهن، معادل‌های دیگری مانند سیاست منزل، تدبیرالخاصه، حکمت منزلیه و الاقتصاد المنزلی داشته است (رک. ارسطو، ۱۳۴۹). تدبیر در لغت به معنای نوعی عاقبت‌اندیشی و تفکر در امور است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۷۳/۴؛ دهخدا، ۱۴۰۰ هـ.ش) آنچه از کاربرد لفظ تدبیر در کتب اخلاق و بحث تدبیر منزل به دست می‌آید مطابقت کامل معنای لفظی با معنای اصطلاحی و مورد نظر آن است که به نوعی با تعقل و



تفکر، البته در عاقبت کار و اقدامات مربوط به اداره منزل همراه است. در بیان فرق بین تدبیر و تفکر آمده است که تدبیر، تصرف قلب با نظر در عواقب، ولی تفکر، تصرف آن در نظر به دلایل است (طریحی، ۱۳۷۵، ۳/۲۹۹). تفکر مربوط به بررسی علل و خصوصیات یک موجود، ولی تدبیر مربوط به بررسی عواقب و نتایج آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۴/۲۸). براین اساس، تدبیر را می‌توان به معنای دوراندیشی و توجه به عاقبت امور دانست که در نظریه‌های اخلاق هنجاری به پیامدگرایی نزدیک‌تر است؛ زیرا در پیامدگرایی اخلاقی به نتایج و پیامدها توجه می‌شود و داوری اخلاقی براساس پیامدهای اخلاقی صورت می‌گیرد. منزل هم اگرچه محل فرود آمدن و مکان آن معنا شده، در بعضی موارد به مجموعه خانه و اهل آن نیز گفته شده است (جوهری، ۱۳۷۶، ۵/۱۸۲۸). این معنا از منزل در نگاه دانشوران اخلاقی فراتر از محل فرود آمدن و ساختمان چوبی و سنگی است. خواجه نصیرالدین طوسی (۱۴۱۳) در کتاب *اخلاق ناصری* ذیل بحث تدبیر منزل، مراد خود از منزل را این‌گونه بیان می‌کند: «و بیاورد دانست که مراد از منزل در این موضع نه خانه‌ای است که از خشت و گل و سنک و چوب کنند بل آن از تألیفی مخصوص است که میان زن و شوهر و والد و مولود و خادم و مخدوم و متمول و مال افتد. مسکن ایشان چه از چوب و سنک بود و چه از خیمه و خرگاه و چه از سایه درخت و غار کوه» (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳، ه.ق.). این تعبیر از منزل ناظر به پیوندهای روحی و اخلاقی است و در بطن و متن خود اخلاق را دربردارد. بنابراین، در اینجا سخن از تصرف است و بیشتر به قلب پیوند خورده تا عقل و نظر. ابن سینا (۱۳۷۹) در *رساله‌السیاسه* علاوه بر بیان سیاست مرد نسبت به زن، فرزند و خدمتکار، سیاست دخل و خرج را نیز جزء امور منزل می‌داند. بنابراین، نکته مهم در تدبیر منزل، احوال اهل منزل، دخل و خرج و حالات و مناسبات ایشان با خود و سایرین است. از آنجاکه شکل ظاهری و ساختار فیزیکی منزل بر احوال و روحیات اهل منزل تأثیر می‌گذارد، می‌توان نتیجه گرفت که مدبر منزل علاوه بر تدبیر در امور اهل منزل و ملاحظات میان ایشان و سایرین باید در مورد ساختمان و بنای منزل هم عاقبت‌اندیشی کرده و رفاه اهل آن را از این نظر تأمین کند. خواجه اگرچه در عبارت فوق شکل ظاهری منزل را مورد بحث نمی‌داند، ولی در همین کتاب با عبارت: «اما افضل احوال منزل که مسکن بود، چنان بود که...» (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳) به بیان اوصاف و شکل ظاهری منزل پرداخته است. ابن سینا

موضوع تدبیر منزل را که از اقسام حکمت عملی در فلسفه مشاء است چگونگی اداره منزل و مشارکت مرد با زن، فرزندان، بندگان و خدمت‌کاران برای تنظیم امور منزل می‌داند (ابن سینا، ۱۳۸۳). خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف تدبیر منزل می‌گوید:

پس صناعت تدبیر منزل که آن را حکمت منزلی خوانند نظر باشد در حال این جماعت بر وجهی که مقتضی مصلحت عموم بود، در تیسر اسباب معاش و توصل به کمالی که به حسب اشتراک مطلوب باشد و چون عموم اشخاص نوع، چه ملک و چه رعیت، چه فاضل و چه مفضول بدین نوع تألیف و تدبیر محتاجند و هر کسی در مرتبه خود به تقلید (استواری و پیروی کردن) امر جماعتی که او را عی ایشان بود و ایشان رعیت او مکلف و منفعت این علم عام و ناگزیر باشد و فواید آن، هم در دین و هم در دنیا شامل. (طوسی، ۱۴۱۳)

براساس آنچه خواجه از تعریف منزل آورده است، می‌توان گفت که مدبر باید صلاح و مصلحت همه افراد را لحاظ کند نه یک عضو را و در تعارض میان منافع هر عضو با منفعت عمومی اهل منزل، منفعت شخصی را در نظر نگیرد. همان‌گونه که محمدبن غزالی ذیل تعریف حسن تدبیر می‌گوید: «حسن تدبیر، نگرستن در امور برای استخراج آنچه بهتر و نیکوتر است در به دست آوردن خیر بیشتر و اهداف شریف تر است» (غزالی، بی‌تا). این تعبیر غزالی از حسن تدبیر و قرار دادن آن در فضیلت‌های زیرمجموعه حکمت، دال بر نوعی خردورزی و تعقل در امور و نیز امر منزل است. درک درست در مورد آنچه اصلح و افضل برای کسب بیشترین خیر است را روشی برای تحصیل مصلحت توسط مدبر مطرح می‌کند. البته این سخن غزالی با رویکرد سودگرایی جان استوارت میل نیز همخوانی دارد. در مکتب سودگرایی نیز بیشتر پیوندها و ارتباطات اجتماعی براساس منافع صورت می‌گیرد، البته فرق است بین خیر که معنای وسیع دارد تا مسئله سود و منفعت دنیوی که محصور در منافع مادری است.

همچنین می‌توان گفت که این نوع تدبیر منزل برای همه افراد جامعه از کارگر ساده گرفته تا وکیل و وزیر و... ضروری و لازم است و بر هر شخصی فارق از منصب و مکسبی که دارد، واجب است که اهل خانه خود را به سمت کمال مطلوب هدایت کند و در سایه همین هدایت خانواده‌هاست که جامعه به سمت کمال حرکت می‌کند و گوشزد کردن وظیفه و مسئولیت دینی مدبر منزل نسبت به هدایت اهل منزل و رساندن ایشان به کمال مطلوبشان



که در سایه این انجام وظیفه منافع دنیوی (اصلاح امور) و اخروی حاصل می‌شود. دوانی در تعریف تدبیر منزل می‌گوید: «و علم تدبیر منزل را معرفت طریق سیاسی احوال این طایفه باشد بر وجهی که از خلل ایمن تواند بود و چون احتیاج به این اجتماع عموم خلائق راست، پس همه را تحصیل این علم باید نمود». (دوانی، ۱۳۹۳) با این وصف، تدبیر منزل مشابه یک فعالیت فکری و اخلاقی می‌تواند ضامن بخش عمده‌ای از مسائل و مسئولیت‌های خانواده باشد و سرپرست خانه که از آن تعبیر به راعی می‌شود وظیفه چنین تدبیری را به عهده دارد.

۲-۱-۱. ابعاد و قلمروی تدبیر منزل در متون فلسفی-اخلاقی

منشأ پیدایش تدبیر منزل به واسطه آثار ارسطو در حکمت عملی و در پرتوی نگاه نقادانه او به فلسفه سیاسی-اجتماعی افلاطون بود که تدبیر منزل در ادبیات یونانی-هلنی جایگاه خاصی یافت. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ۱۴/۶۸۹) برخلاف افلاطون که در دو اثر مهم خود یعنی، رساله جمهوری و قوانین برای خانواده نقش سازنده‌ای در مدینه قائل نیست، ارسطو خانواده را عنصری تأثیرگذار در مدینه دانسته و پس از بیان اجزا و عناصر شهر، نخست از تدبیر منزل سخن می‌گوید؛ زیرا معتقد است هر شهری از خانواده‌ها فراهم می‌آید (ر.ک.، ارسطو، ۱۳۴۹). ارسطو نخستین شخصی بود که در اخلاق نیکوماخوس، فلسفه عملی را به تدبیر منزل، قانون‌گذاری و کشورداری (سیاست) تقسیم کرد (ارسطو، ۱۳۴۳). پس از وی با تغییراتی که در فلسفه عملی صورت گرفت اخلاق جایگزین قانون‌گذاری شد. بنابراین، در فهرست‌های کهن از طبقه‌بندی فلسفه عملی به تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن یاد می‌شود. براساس دیدگاه برخی محققان از آموزه‌های ایرانی مرتبط با تدبیر منزل کمتر می‌توان نشانی یافت. متن‌های به‌جامانده از تمدن اخلاقی، قابل طرح در مباحث کلی تدبیر منزل است، اما در آنها از مباحث ایرانی پیش از اسلام و به‌ویژه اندرزنامه‌های پهلوی، مشتمل بر پاره‌ای آموزه‌های اصلی مربوط به اقتصاد خانواده کمتر سخن به میان آمده است. شاید مهمترین وجه تمایز این اندرزنامه‌ها با متن‌های یونانی مشابه این است که در اندرزنامه‌ها اصول اخلاقی و غایت اخروی بیشتر مورد توجه بوده در حالی که در آثار یونانی، مبانی اقتصادی و غایت دنیوی مطرح شده است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ۱۴/۶۹۱) در برخی از آثار فلسفی عهد اسلامی، مباحث تدبیر منزل با آموزه‌های یونانی و ایرانی درآمیخته است. شاخص این

آثار، کتاب السعاده والاسعاد ابوالحسن عامری است که به‌ویژه به مسئله تربیت فرزند توجه خاصی کرده است (عامری، ۱۳۳۶). قبل از عامری، ابونصر فارابی در کتاب فصول منتزعه اگرچه سخنی از تدبیر منزل به میان نیاورده است، منزل را متشکل از چهار عنصر زن و شوهر، مولی و عبد، پدر و فرزند و مال و صاحب مال می‌دانست که وظیفه مدبر، ایجاد رابطه مناسب و تعاون میان آنها برای رسیدن به مقصود است (فارابی، ۱۳۶۴). فارابی در تقسیم‌بندی خود از اجزای منزل می‌گوید: «منزل از اجزاء و مشترکات محدودی بنا می‌شود که این اجزای چهارگانه عبارتند از: زوج و زوجه، مولا و عبد، پدر و فرزند، مال و مالک. آن‌کس که مالک این اجزاست برخی را با برخی دیگر پیوند می‌دهد تا همه در فعالیت خانواده و پیشبرد اهداف آن سهیم باشند» (فارابی، ۱۳۶۴). فاعل پیونددهنده اعضای خانواده در این نوع نگاه، بسیار مهم است. در تقسیم‌بندی فارابی، یک نفر در تمام اقسام وجود دارد و او همان مدبر است. اوست که زوج، مولی، والد و مالک است و این مؤید محوریت مدبر در بحث تدبیر منزل است. به نقل از کتاب بروسن، پس از فارابی و عامری، ابن مسکویه در تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ذیل مباحثی چون شیوه تربیت و ادب آموختن به فرزند به پاره‌ای از مباحث تدبیر منزل پرداخته است. (مسکویه، ۱۲۸۱) ابن سینا نیز در رساله السیاسه خود موضوع تدبیر منزل را مطرح می‌کند. نخستین رساله مستقلی که در عالم اسلام به موضوع تدبیر منزل اختصاص دارد رساله السیاسه ابن سیناست که در آن برخلاف آثار دیگر خود به بیان سیاست در اصلاح نفس خود به تدبیر در مخارج و نیز سیاست مرد نسبت به زن، فرزند و خدمتکاران می‌پردازد (ابن سینا، ۱۳۷۹).

ابن سینا قلمروی اخلاقی در سیاست منزل را براساس محورهای مختلفی بیان کرده است که عبارتند از:

- در سیاست نفس، در کشف عیوب نفس و علاج آنها و پرداختن به فضایل که روی سخن در اینجا بیشتر با رؤسا و حاکمان است؛
- در دخل و خرج، درباره اصناف مردم در معیشت، انواع صناعات اهل مروت (ذوی المروه) و درباره زکات، صدقات و نفقات؛
- در سیاست اهل، صفات زن و چگونگی سیاست زن (با نگاهی روان‌شناسانه) با رفتار همراه با هیبت و کرامت و لزوم اشتغال خاطر ایشان به امور اولاد و خدم؛

- در سیاست فرزند، چگونگی تربیت کودک و ترتیب آموختنی‌ها از دوره پس از شیرخوارگی تا رشد کامل؛

- در سیاست خدم، در حاجت به خدم، طریق اخذ و چگونگی سیاست ایشان. (دانشنامه

جهان اسلام، ۱۴۰۰ ه.ش، ۱/۳۳۸۱)

ابن سینا با تعبیر به سیاست و بیان لزوم تدبیر در امور، این اقدامات را زیرمجموعه اخلاق قرار نداده و مانند حکمای قبل از خود به آن صبغه حکمی بخشیده است. (رک.، ابن سینا؛ ۱۳۷۹) برخلاف ابن سینا، فخر رازی رساله پنجاه و هفتم جامع العلوم را که در تدبیر منزل است پس از بحث علم السیاسات آورده که می‌تواند نشان‌دهنده جدایی تدبیر منزل از سیاست در نظر ایشان باشد. فخر رازی در ۹ فصل، آرای رساله بروسن را با دیدگاه اسلامی درهم آمیخته و مطالبی سودمند در تدبیر منزل ارائه کرده است. پس از رازی، شاخص‌ترین اثر در تدبیر منزل متعلق به خواجه نصیرالدین طوسی است. ایشان مقاله دوم کتاب *اخلاق ناصری* را در پنج فصل به تدبیر منزل اختصاص داده است. این کتاب جامعیت خوبی دارد به‌گونه‌ای که بعدها در بسیاری از آثار از جمله: رساله سوم کتاب *الشجره الالهیه* از شمس‌الدین محمد شهرزوری (۱۳۸۵/۱، ۴۸۹)، *نفائس الفنون* از شمس‌الدین محمد آملی (۱۳۸۱/۲، ۳۹۵)، *لوامع الاشراف* از جلال‌الدین محمد دوانی (لامع دوم، ص ۱۷۹)، *اخلاق علایی* از علی بن امرالله حنایی و *رساله الحکمه العملیه* از غیاث‌الدین منصور دشتکی تأثیرگذار بوده است. به‌گونه‌ای که در تمام کتب مذکور هر پنج فصل، سبب احتیاج به منزل، سیاست اقوات و اموال، سیاست اهل، سیاست اولاد و سیاست خدم آمده و در برخی موارد فصلی یا مطلبی به آن افزوده‌اند (دانشنامه جهان اسلام، ۱۴۰۰ ه.ش).

از دیگر دانشمندان قرن هفتم قطب‌الدین شیرازی است که در بخش حکمت عملی در *دره‌التاج* از تقسیم‌بندی ارموی پیروی کرده و از تدبیر منزل با نام حکمت یا سیاست منزلی یاد کرده است. مباحث سیاست منزلی به شش باب تقسیم شده است: والدین، ازواج، اولاد، إخوة، اقارب و عبید. چنانکه پیداست، مطالب این فصل با تسری تدبیر منزل به اقارب، فاقد بحث مال است. نویسنده در طرح خود از سنت یونانی پیروی نکرده بلکه مطالب خود را براساس حکایات و روایات دینی بیان کرده است. چنان‌که از نوع ارائه

دیدگاه‌ها برمی‌آید مباحث حوزه تدبیر منزل را در دو محور می‌توان یافت: یکی مبتنی بر اصول و خط‌مشی کلی برای سیاست اهل و دیگری ناظر به حوزه‌هایی چون اموال، مسکن، غذا و نیز ناظر به اعضای خانواده مانند همسر و فرزندان است. حکمای متأخر ایرانی مانند ملامحسن فیض کاشانی، ملامهدی نراقی و... به مباحث تدبیر منزل و حتی سیاست مدن توجهی نشان نداده و پاره‌ای از مسائل اخلاقی مربوط به خانواده از جمله: تربیت فرزند، اخلاق کسب و کار، نیکی به والدین، صلح‌رحم و... را در کتب خود به شکل مجزا متذکر شده‌اند. در این باره نراقی اذعان میکند که به بحث تدبیر منزل نپرداخته است. (نراقی، ۱۳۸۲، ۳۵/۱) بر این اساس، روشن است که سیر تطور اخلاق خانواده که بیشتر متأثر از اخلاق فلسفی و در قالب تدبیر منزل از آن یاد شده، پس از طی پستی و بلندی‌ها در متون اخیر اخلاقی رنگ می‌بازد و میراث اخلاقی از آن بی‌بهره می‌شود.

نکته مشهود این است که میراث گذشته به شکل مستقلی به حوزه خانواده اهتمام داشته و آن را بخشی از حکمت عملی می‌داند. هرچند کارآمدی مسائل مربوط به اخلاق خانواده می‌تواند در این متون ارزیابی شود، اما در متون و دوره متأخر، مباحث اخلاقی مرتبط با خانواده رنگ می‌بازد و عبارت مستقلی برای حوزه اخلاق خانواده کمتر دیده می‌شود. نکته دیگر آنکه در بیشتر متون اخلاقی، تدبیر منزل به رابطه مدبر (مرد) با زوجه، اولاد و خدام است؛ یعنی می‌توان این‌گونه برداشت کرد که قوام تدبیر منزل بر محوریت مدبر و رابطه او با سایر افراد خانواده استوار است. متأخرین نیز بیشتر متأثر از تقسیم‌بندی گذشته سعی کرده‌اند به ارائه قلمروی مسائل اخلاق خانواده بپردازند. جهامی با توجه به قلمروی ارتباطی حوزه خانواده در موسوعه خود در تعریف تدبیر منزل می‌گوید: «علم تدبیر المنزل و به یعلم وجه المعیشه، مع الزوجه، و الولد، و الخادم و ما یشتمل المنزل علیه» (جهامی، ۱۹۹۸). این تعریف هم بر محوریت رابطه مدبر با زوجه، ولد و عبد تأکید دارد. از دیگر مواردی که می‌توان آن را در قلمروی تدبیر منزل دانست قرار تدبیر منزل در سفر است. شریف (۱۳۸۷) می‌گوید: «تدبیر منزل در سفر: و در منزل باید هرچاکه مرتفع‌تر باشد در وی خیمه زند یا مسکن به طرفی باشد که باد شمال می‌وزیده باشد و خیمه‌ها از هم دور باشند و دواب و مراکب حسب المقدور در آن حوالی نباشند و اگر در رباط فرود آیند، قرار در یورتی باشد که باد شمال می‌وزیده باشد».



چنان‌که از متون اخلاقی متقدم برمی‌آید قلمروی اخلاقی خانواده شامل رابطه مرد با اهل و خادم و شامل سفر و حضر است. از این رو، به درستی وظیفه مدبر هم تأمین امنیت و آرامش درون خانه و هم بیرون و در سفر است؛ زیرا وی باید در سفر ملاحظه همه جوانب و خطرات را کرده و امنیت و آرامش اهل خانه را فراهم کند. البته نکته‌ای که می‌توان در حوزه اخلاق خانواده در دوره معاصر از آن یاد کرد توجه به وظایف و مسئولیت‌های دیگر اعضای خانواده است، ولی می‌توان محور مسئولیت‌ها به‌ویژه مسئولیت‌های اخلاقی خانواده را در متون گذشته مرد خانواده دانست چیزی که در متون نقلی نیز بدان توجه ویژه‌ای شده است. برای نمونه امام سجاد علیه السلام در رساله *الحقوق* در بیان حقوق اهل خانه تعبیر رعیت را می‌آورد و با عبارت: «و اما حقوق رعیتک بملک النکاح» به مسائل اخلاقی این حوزه می‌پردازد (زین‌العابدین، ۱۴۲۱ هـ.ق).

۲-۲. روش و شیوه تحصیل تدبیر منزل

یکی از مباحث مورد توجه دانشوران اخلاقی در منابع اخلاقی به‌ویژه اخلاق فلسفی، بحث روش‌های کسب فضایل و رفع و دفع رذایل است که تدبیر منزل هم از این امر مستثنی نیست. از این رو، در متون اخلاقی به روش تدبیر منزل نیز پرداخته‌اند. در اخلاق سنتی، بحث روش هم مطرح است که معطوف به روش‌های رایج در ایجاد فضیلت و دفع و رفع رذایل است و همواره مورد نظر دانشمندانی چون نراقیین در *جامع السعادات* و *معراج السعاده*، فیض کاشانی در *الحقایق* و *محجه البیضاء*، راغب اصفهانی در *الذریعه* و سایرین قرار گرفته است. همچنین در اخلاق کاربردی به‌ویژه ناظر به حل چالش‌ها و معضلات اخلاقی در یک موقعیت خاص است که به چاره‌اندیشی پرداخته‌اند و سه روش رایج اصل‌گرایی، قرینه‌گرایی و موازنه متفکرانه را پیشنهاد داده‌اند. (اسلامی، و همکاران، ۱۳۸۹) در بحث خانواده، بررسی روش سنتی در متون اخلاقی مهم است. بر این اساس، برای حصول تدبیر منزل، مقدمات و ملزوماتی وجود دارد که گاه در ویژگی‌های درونی شخص (مدبر) و گاه در رابطه و تعامل او با سایرین ریشه دارد. بر اساس منطق اخلاق فلسفی از ویژگی‌های شاخص و ضروری مدبر منزل، فضیلت عدالت است. به دنبال عدالت است که رعایت حقوق دیگران، توجه به مسئولیت و انجام وظیفه حاصل می‌شود. ملا احمد نراقی ذیل

بحث اتصاف مصلح به عدالت، می‌گوید:

حقیقت عدالت یا لازم آن، این است که عقل به مانند خلیفه خدا غالب شود بر جمیع قوا تا هر یکی را به کاری که باید و شاید بدارد و نظام مملکت انسانی فاسد نشود، پس بر هر انسانی واجب است که سعی و مجاهده کند که عقل که حکم حاکم عادل و خلیفه از جانب خداست بر قوای او غالب شود و اختلاف قوا را برطرف کند و خواهش‌ها و هواهای آنها را بر کنار گذارد و همه را به راه راست مستقیم بدارد. (نراقی، ۱۳۷۸)

در اینجا اخلاقی بودن هر فرد حتی در منزل منوط به کسب ملکه عدالت است. نراقی که برخی کتاب او را در عداد رویکرد تلفیقی اخلاق آورده‌اند (ر.ک.، اسلامی، احمدپور، علیزاده، و عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۳) می‌گوید: «کسی که قوه و صفات خود را اصلاح نکرده باشد و در مملکت بدن خود، عدالت را ظاهر ننموده باشد قابلیت اصلاح دیگران و اجرای حکم عدالت در میان سایر مردمان را ندارد. نه قابلیت تدبیر منزل خود را دارد و نه شایستگی سیاست مردم را. نه لایق ریاست شهر است و نه سزاوار سروری مملکت» (نراقی، ۱۳۷۸).

خواجه نصیر برای حصول تدبیر منزل، مدبر منزل را به طبیعی تشبیه کرده و مبتنی بر رویکرد طب‌انگارانه روش اخلاقی در تدبیر منزل اشاره می‌کند:

بباید دانست که اصل کلی در تدبیر منزل آن بود که همچنان که طبیب در حال بدن انسان نظر کند از جهت اعتدالی که به حسب ترکیب اعضای مجموع ترکیب را حاصل آید و آن اعتدال مقتضی صحت بدن و مصدر افعال بود بر وجه کمال تا اگر آن اعتدال موجود بود آن را محافظت کند و اگر مفقود گردد، استعاده نماید. و چون در عضوی از اعضا خللی حادث شود در علاج آن عضو مصلحت عموم اعضا نگاه دارد، خاصه مصلحت عضوی رئیس که مجاور آن بود به قصد اول و بعد از آن مصلحت آن عضو به قصد ثانی به حدی که اگر صلاح عموم اعضا در قطع و کی (داغ) آن عضو بود، قطع نظر کند از اصلاح آن عضو و به قطع و قلع آن مبالغت نکند تا فساد به دیگر اعضا سرایت نکند. (طوسی، ۱۴۱۳هـ.ق)

ایشان این دقت و ظرافت طبیبانه را در مورد تک‌تک افراد منزل لازم دانسته و حتی توجه به طبیعت و خاصیت هر فرد برای رسیدن به کمالش را ضروری می‌داند و معتقد است مدبر منزل هم در قالب طبیب و هم عضوی از خانواده باید بر طبیعت و افعال هر شخصی از اشخاص اهل منزل واقف باشد تا اعتدال آن شخص و فعلش را شناخته و او



را به کمالش برساند. (طوسی، ۱۴۱۳ هـ.ق) جدای از این نگاه فضیلت‌گرایانه از دیگر مواردی که به تحصیل تدبیر منزل و مصلحت کمک می‌کند شکل و ساختار فیزیکی منزل است. از این مهم نباید غافل شد که بزرگی و کوچکی، زشتی و زیبایی، تاریکی و روشنایی، سردی و گرمی و مهندسی هر منزل بر حالات و روحیات افراد آن مؤثر است و حالات و روحیات افراد است که چگونگی رابطه افراد خانواده با یکدیگر و با سایرین را به وجود می‌آورد. با توجه به این امر مهم است که خواجه نصیر ساختمان منزل را مورد توجه قرار داده و می‌گوید:

اما افضل احوال منزل که مسکن بود، چنان بود که بنیادهای آن استوار باشد و سقف‌ها به ارتفاع مایل و درها گشاده چنان‌که در اختلاف به تکلفی احتیاج نیفتد و مساکن مردان از مساکن زنان مفروض و مقامگاه هر فصلی و موسمی به حسب آن وقت معد و موضع ذخایر و اموال به حصانت موصوف و احتیاطی که به دفع آفات تعلق دارد مانند حرق و غرق و نقب دزدان و تعرض هوام به تقدیم رساند. (طوسی، ۱۴۱۳ هـ.ق)

از ملزومات قطعی تدبیر منزل، تدبیر دخل و خرج و امور اقتصادی منزل است. وظیفه مدبر یعنی، سرپرست و مسئول خانواده، تأمین نیازهای اهل آن است؛ یعنی وظیفه‌ای که خداوند بر گردن مرد قرار داده و فرموده است (ر.ک.، نساء: ۳۴). مفسران قوام را به معنای سرپرست می‌دانند که یکی از دلایل این سرپرستی تعهدات مالی مرد نسبت به خانواده است. بنابراین، داشتن کسب مناسب و تدبیر در خرج آنچه کسب شده بر هر مدبری واجب است. خواجه نصیر به دلیل حصول تدبیر منزل، مال را به سه اعتبار دخل، حفظ و خرج تقسیم می‌کند و می‌گوید:

نظر در حال مال بر سه وجه تواند بود. اول به اعتبار دخل، دوم به اعتبار حفظ، سوم به اعتبار خرج، اما دخل یا سبب آن به کفایت و تدبیر منوط بود یا نبود. اول مانند صناعات و تجارات دوم مانند موارث و عطایا و تجارت به سبب آنکه به مایه مشروط بود و مایه در معرض تعرض اسباب زوال در وثوق و استمرار از صناعت و حرفت قاصر باشد. (طوسی، ۱۴۱۳ هـ.ق)

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در حصول تدبیر منزل علاوه بر خودسازی، تهذیب نفس و عدالت، موارد دیگری نیز مطرح است که عبارتند از:

- به احوالات همه افراد منزل دقت کرده و موانع و مشکلات را رصد کند؛



- به خصوصیات و کمال هر یک از افراد توجه داشته و هر یک را در مسیر تعالی خود هدایت کند؛

- در ساختمان فیزیکی منزل، رفاه حال اهل آن را مورد توجه قرار دهد؛

- داشتن کسب حلال و متعارف، درایت در حفظ آنچه کسب شده و تدبیر در خرج آن؛

- ارزیابی و ارائه راهکار تطبیق.

آنچه می‌توان در متون رایج اخلاقی به‌ویژه متون اخلاق فلسفی یافت دو رویکرد فضیلت‌گرایانه و طب‌انگارانه به حوزه مسائل اخلاقی به‌ویژه اخلاق خانواده است که ذیل تدبیر منزل و یکی از بخش‌های حکمت عملی طرح شده است. چنین طرح دیدگاهی در حوزه خانواده متفاوت است. یکی به این دلیل که گاه به‌صورت یک بخش مستقل از حکمت مورد توجه قرار گرفته و دیگر آنکه در متون اخلاقی نیز منعکس‌کننده میراث اولیه در انعکاس رویکرد فلسفی این حوزه است. نکته دیگر اینکه در دوران معاصر و نزدیک به آن، حتی از انعکاس دیدگاه‌های فلسفی ذیل تدبیر منزل غفلت شده است. آخرین آثاری که با چنین رویکرد اقتباسی به بحث خانواده پرداخته‌اند آثار قرن دهم است که بیشتر مباحث گذشتگان را تکرار کرده است.

پرسش قابل طرح این است که چنین رویکرد اقتباسی که سعی کرده مباحث مربوط به آثار اولیه را در حوزه اخلاق خانواده مطرح کند تا چه حد می‌تواند براساس نیازها و مسائل امروز خانواده باشد. عرصه‌های جدیدی که بر روی خانواده‌ها گشوده شده است مثل مواجهه خانواده با اقتصاد جدید، فناوری‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی، رسانه و... برای خانواده‌ها در همه ابعادش دغدغه‌های جدیدی ایجاد کرده است که نمی‌توان از متون اخلاقی گذشته چنین توقع و انتظاری را داشت. در دوره کنونی نیز برخی تألیفات حوزه خانواده سعی کرده‌اند آموزه‌های اخلاقی گذشتگان را مورد توجه قرار داده و در نهایت با نقل آموزه‌های دینی، نگاهی توصیه‌ای را پیش روی مخاطبان قرار دهند (مظاهری، ۱۳۸۹؛ امینی، ۱۳۸۹).

برخی پژوهشگران نیز با نگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، مسائل حوزه خانواده را مطالعه کرده‌اند. بنابراین، از منظر اخلاق اسلامی و با رویکرد کاربردی و حل‌چالش‌های اخلاقی خانواده، اثر قابل توجهی ملاحظه نمی‌شود. در دوره معاصر، اخلاق خانواده بخشی



از اخلاق کاربردی بوده و با مکاتب و نظریات متعدد اخلاقی چون وظیفه‌گرایی، سودگرایی و اخلاق فضیلت محور ارتباط مستقیم دارد. براساس پذیرش معیار هر نظریه خاص، تبیین نوع رفتار افراد خانواده با یکدیگر متفاوت خواهد بود. اخلاق خانواده با علوم متعددی چون جامعه‌شناسی، تربیت، پزشکی و روان‌شناسی تعامل دارد. این حوزه هم شامل مباحث مربوط به قبل از ازدواج مثل نگرش اخلاقی به ازدواج و اخلاق انتخاب همسر است تا مسائلی که هنگام ازدواج و پس از ازدواج دامنگیر خانواده می‌شود. بخش عمده‌ای از این مسائل، مربوط به روابط بین اعضای خانواده است که با توجه به مشکلات و شرایط دوره معاصر در بعضی موارد بسیار پیچیده و خاص است و نیازمند تأملات دقیق فلسفی و اخلاقی برای حل آنهاست. در نهایت اخلاق خانواده در دوره معاصر با عناوینی چون اخلاق خانواده، اخلاق ازدواج، اخلاق همسررداری، اخلاق جنسی، اخلاق مادری، اخلاق مدیریت و اخلاق تربیت ارتباط تنگاتنگی دارد.

اخلاق خانواده به زن و مرد در نقش پدر و مادر و رابطه آنها با فرزندان و وظایف اخلاقی هریک نسبت به یکدیگر می‌پردازد. اخلاق ازدواج به ارتباط اخلاقی زن و مرد در قالب نهاد ازدواج به عنوان یک قرارداد، تعهد و حقوق اخلاقی متقابل هریک از آنها می‌پردازد که می‌توان اخلاق مدیریت، اخلاق مادری و اخلاق تربیت را عنوان فرعی و زیرمجموعه اخلاق خانواده و ازدواج دانست. اخلاق همسررداری نیز عملی مهارتی است که زن و شوهر می‌توانند براساس آن با شناخت توان مندی‌ها، تفاوت‌ها و حساسیت‌های یکدیگر به نیازهای جسمی، عاطفی، روانی و حتی جنسی طرف مقابل پاسخ دهند. با این تعریف از اخلاق همسررداری، اخلاق جنسی در قالب نهاد خانواده و اخلاق همسری بخشی از اخلاق همسررداری است. شاید بتوان مهمترین وجه تشابه اخلاق کاربردی و تدبیر منزل را وجه فلسفی آن دانست. با توجه به شباهت تدبیر منزل و اخلاق کاربردی در عقل‌ورزی هر دو در روش و چابوب به یک‌گونه عمل می‌کنند و آنچه باعث افتراق میان این دو شده، ضرورت پرداختن به اخلاق در مسائل مستحدثه و جدید است. فرق بین تدبیر منزل به آن معنا که در متون کهن اخلاقی آمده با اخلاق خانواده که شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است را می‌توان از دو نظر بیان کرد:

اول) از نظر متعلق: متعلق تدبیر منزل یعنی، همان مدبر که یکی از اعضای خانواده است و تمام مسائل تدبیر منزل درباره رابطه او با سایرین است. تدبیر منزل، باید‌ها و نبایدهای اخلاقی شخص مدبر است که بیانگر وظیفه عملی او نسبت به سایر اعضای خانواده بوده و از رفتار و وظایف سایر افراد منزل سخنی به میان نمی‌آید. پرداختن تدبیر منزل به مسائل اخلاق خانواده به نوعی تک بعدی بوده و فقط از یک زاویه اخلاق خانواده را بررسی می‌کند که به هیچ وجه پاسخ‌گوی نیازها و مسائل اخلاقی جاری در خانواده نیست. این درحالی است که اخلاق خانواده به وظایف اخلاقی هر یک از اعضای خانواده به طور مستقل پرداخته و برای هر عضو در جایگاه خود و نیز رابطه‌اش با سایرین، ملاک‌های اخلاقی ارائه می‌دهد که وظایف اخلاقی فرزندان، اخلاق تربیت، اخلاق زناشویی و... از اقسام آن است. دوم) از نظر گستره موضوعات: تدبیر منزل در محورهای محدودی چون فرزند، زوجه، عبد و اقتصاد مورد بحث قرار گرفته است که همگی بخشی از مباحث اخلاق خانواده است. این درحالی است که موضوعات در اخلاق خانواده، گستردگی و ابعاد بیشتری دارد و شامل موضوعاتی چون اخلاق مدیریت، اخلاق جنسی، اخلاق معیشت، اخلاق معاشرت، اخلاق تربیت، و ضایف اخلاقی فرزندان و... می‌شود.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

تدبیر منزل در متون کهن اخلاقی، شاخه‌ای از حکمت عملی در کنار اخلاق بوده و مورد توجه علمایی چون ارسطو، خواجه نصیر طوسی، علامه دوانی و... است. پرداختن به تدبیر منزل و قرار دادن آن به صورت قسمتی از حکمت عملی بیانگر اهمیت تعقل و خردورزی در این مقوله است. عدم توجه همه جانبه به مسائل اخلاقی خانواده در متون کهن سبب شد تا تدبیر منزل که خود قسیم اخلاق بود به صورت قسمی از اخلاق رشد کرده و گستردگی مطلوبی داشته باشد. امروزه در آثار متأخرین، اثری از تدبیر منزل یافت نمی‌شود که علت آن را می‌توان در محدودیت گستره تدبیر منزل و تک بعدی بودن آن جست‌وجو کرد. تدبیر منزل در پوشش دادن به مسائل اخلاقی خانواده و پرداختن به آن دچار کاستی‌های بسیاری است که سبب به وجود آمدن اخلاق خانواده در ابعاد و حوزه‌های وسیع‌تر شده



است؛ حوزه‌هایی که متناسب با نیاز هر یک از افراد خانواده راهکار و روش اخلاقی ارائه داده و به حل چالش‌ها و تعارضات اخلاقی افراد منزل با خودشان و دیگران می‌پردازد. امروزه در علم اخلاق و اخلاق کاربردی، اخلاق خانواده با حوزه‌های گسترده و مورد نیاز افراد جامعه به‌کار گرفته شده که سعی در حل مشکلات و معضلات و نیز بیان سبک زندگی مناسب دارد. محققین حوزه اخلاق خانواده و آنهایی که دغدغه به‌رمندی از میراث اخلاقی را در این حوزه دارند، می‌توانند با بهره‌گیری از میراث اخلاق فلسفی و دیگر حوزه‌های اخلاقی مانند رویکرد نقلی، عرفانی و تلفیقی و نیز بررسی معضلات و مسائل جدید اخلاقی به‌ویژه در تعارض‌ها و چالش‌هایی که در خانواده‌های معاصر صورت گرفته به ارائه مباحثی متناسب با این حوزه بپردازند و با بهره‌گیری از حوزه اخلاق فلسفی و منابع اصیل اسلامی راهکارها و روش‌هایی را برای برون‌رفت از مشکلات و دوراهی‌های اخلاقی در خانواده معاصر ارائه کنند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: نگارش.
۱. ابن سینا، ابوعلی (۱۳۷۹). رساله‌السیاسه. مترجم: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. مشاهده شده در <https://www.sid.ir/fa/plan/ViewPaper.aspx?ID=91308>
۲. ابن سینا، ابوعلی (۱۳۸۳). الهیات دانشنامه علایی. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
۳. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ه.ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
۴. ارسطو (۱۳۴۳). علم الأخلاق الی نبقوماخوس. بیروت: دارصادر.
۵. ارسطو (۱۳۴۹). سیاست. مترجم: عنایت، حمید. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۶. اسلامی، محمدتقی، احمدپور، مهدی،، علیزاده،، مهدی،، و عالم‌زاده‌نوری، محمد (۱۳۹۳). کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. اسلامی، محمدتقی،، و علیزاده، مهدی،، و دبیری، احمد (۱۳۸۹). اخلاق کاربردی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. امینی، ابراهیم (۱۳۸۹). آیین همسرداری. تهران: انتشارات اسلامی.
۹. پورجوادی، رضا (۱۳۷۹). تحف العقول و داستان شیخ صنعان. نشریه معارف، ۱(۱۷)، ۳-۲۰.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه. تحقیق: عطار، احمد عبدالغفور. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۱. جهامی، جبار (۱۹۹۸). موسوعه مصطلحات الفلسفه عند العرب. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۱۲. دارابی کشفی، جعفر بن ابی اسحاق (۱۳۸۱). تحفه الملوک. قم: بوستان کتاب.
۱۳. دانشنامه جهان اسلام (۱۴۰۰ه.ش). مشاهده شده در <https://rch.ac.ir/0/1/> و <https://lib.eshia.ir/23019>
۱۴. دوانی، جلال‌الدین (۱۳۹۳). لواعع الاشراف. تصحیح: مسعودی‌آرانی، عبدالله، و جلالی، اخلاق. تهران: اطلاعات.
۱۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۴۰۰ه.ش). لغت‌نامه دهخدا. مشاهده شده در <https://www.vajehyab.com>
۱۶. زین‌العابدین (ع)، علی بن حسین (۱۴۲۱ه.ق). رساله حقوق. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۱۷. شریف، محمد مهدی بن علی نقی (۱۳۸۷). زادالمسافرین. قم: جلال‌الدین.
۱۸. شمس‌الدین آملی، محمد بن محمود (۱۳۸۱). نفائس الفنون فی عرائس العیون. تحقیق: شعرانی، ابوالحسن. تهران: اسلامیة.

۱۹. شهرزوری، محمد بن محمود (۱۳۸۵). رسایل الشجره الالهيه في علوم الحقايق الربانيه. تحقيق: حبيبي، نجف قلی. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۲۰. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تحقیق: حسینی اشکوری، احمد. تهران: مرتضوی.
۲۱. طوسی، محمد بن محمد نصرالدین (۱۴۱۳). اخلاق ناصری. تهران: علمیه اسلامیة.
۲۲. عامری، محمد بن یوسف (۱۳۳۶). السعاده والاسعاد فی السیره الانسانیة. تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. تهران: اشجع.
۲۴. غزالی، محمد بن محمد (بی تا). میزان العمل. قاهره: دارالمعارف.
۲۵. فارابی، محمد بن محمد (۱۳۶۴). فصول منتزعه. تهران: مکتبه الزهراء علیها السلام.
۲۶. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۹۲). سلوک فیض (الحقايق). تهران: مستجار.
۲۷. گاردنر، ویلیام (۱۳۸۷). جنگ علیه خانواده. مترجم: محمدی، معصومه. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹). تحکیم خانواده/ از نگاه قرآن و حدیث. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۲۹. مسکویه، احمد بن محمد (۱۲۸۱). الفوز الأصغر. بیروت: دارمکتبه الحیاه.
۳۰. مسکویه، احمد بن محمد (۱۴۲۶). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق. قم: طلیعه النور.
۳۱. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷). اخلاق و عرفان اسلامی. نشریه معرفت، ۱۳۱(-)، ۵-۱۲.
۳۲. مظاهری، حسین (۱۳۸۹). اخلاق در خانه. قم: اخلاق.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب السلامیه.
۳۴. موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۸۵). دایره المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۳۵. نراقی، احمد بن مهدی (۱۳۷۸). معراج السعاده. قم: هجرت.
۳۶. نراقی، مهدی بن ابیذر (۱۳۸۲). جامع السعادات. قم

